



بسم الله الرحمن الرحيم (1)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان محترم استان، علمای بزرگوار و عزیز. تبریک عرض میکنم عید سعید و بسیار بزرگ ولادت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) را و ان شاء الله تقارن این دیدار با این روز بزرگ تاریخی و بسیار مهم، مایه‌ی برکت به تلاشهای جمع شما خواهد بود که بعضی از آن تلاشها را ذکر کردند، نمونه‌هایی از فعالیتهای هنری و غیره را هم که انجام گرفته ما اینجا مشاهده کردیم. (2) خب بحمدالله یاد شهیدان عزیز فضای حسینیهای ما را سرشار کرده است؛ بالخصوص، به خانواده‌های شهیدان عزیز خوشامد عرض میکنم. یاد شهدا، هم درس است، هم انگیزه‌بخش است، هم اداء حق است. حق شهدا بر جامعه‌ی ایرانی و ملت ایران حق بسیار بزرگی است. کمترین کاری که میشود کرد همین است که یاد این بزرگواران را گرامی بداریم. کارتان، یعنی این برنامه‌ریزی برای [گرامیداشت] یاد 24 هزار شهید خوزستان که رقم بسیار بالا و مهمی است، کار بسیار به‌جا و به‌موقعی است.

یک کلمه درباره‌ی خوزستان عرض کنم. در دفاع مقدس - که این هشت سال یک امتحان بزرگ ملت ایران بود - خوزستان نقش سنگر مقدّم را ایفا کرد؛ این خیلی مهم است. حقاً و انصافاً [خوزستان] سنگر مقدّم و مقاوم بود؛ خرّمشهر یک جور، آبادان یک جور، دزفول یک جور، اهواز یک جور. مقاومت شهرهای مختلف [مانند] شادگان، حمیدیه، سوسنگرد و بقیة‌ی جاهایی که ما بعضی‌ها را از نزدیک دیده‌ایم، بعضی‌ها را هم شنیده‌ایم، حقاً و انصافاً یک پدیده‌ی کم‌نظیر و بعضاً بی‌نظیر در تاریخى که ما می‌شناسیم به حساب می‌آید. عشایر عرب، عشایر بختیاری، و لر، حقاً و انصافاً نقش آفریدند؛ یا مردم دزفول، زیر آن بمبارانهای عجیب! دزفول یک جور، آبادان یک جور، اهواز یک جور، خرّمشهر هم که خب مرکز مقاومت و قلب مقاومت خوزستان بود. این جان‌فشانی‌ها نام این شهرها را و نام خوزستان را جاودانی کرد و سرنوشت این امتحان بزرگ ملت ایران را همین مقاومتها تعیین کرد.

قبلاً عرض کرده‌ایم، (3) صدام توهم کرد که حالا [چون] بخشی از مردم خوزستان عرب هستند، با آغوش باز از آنها استقبال خواهند کرد؛ بعکس شد؛ خانواده‌های عرب، چه در داخل شهرها، چه در روستاها، [این کار را نکردند]. در یکی از این عملیات‌ها، حدود ظهر رفتیم در یک روستایی که آنجا وضو بگیریم و نماز بخوانیم، دو سه خانواده‌ی عرب بیشتر نبودند که آنجا زندگی میکردند؛ در این بیابان، در این منطقه‌ی خطرناک، بین نیروهای دشمن، اینها به نفع جمهوری اسلامی شعار میدادند و نشان، مردشان، کودکان، از ما که رفتیم وضو بگیریم و نماز بخوانیم استقبال میکردند. خوزستان این جوری عمل کرد در این منطقه. سرداران شجاع، امرای بارزش ارتش، شهید جهان‌آرا، شهید علی هاشمی، شهید سیدحسین علم‌الهدی، هر کدام یک جور، با انواع و اقسام فعالیتهای، با مقاومتشان، با ایستادگی‌شان در آنجا، جزو چهره‌های ملی شدند.

یک نکته‌ی دیگر در باب خوزستان که قبلاً هم عرض کرده‌ایم، (4) این است که خوزستان مظهر همبستگی ملت ایران شد؛ یعنی از همه جای کشور، جانها، دلها، تنها، اراده‌ها، در خوزستان در هم گره خوردند برای دفاع از ایران اسلامی. البته منطقه‌ی جنگ از شمال تا جنوب گسترده بود، لکن عمده‌ی هدف دشمن و عمده‌ی میدان جنگ همین منطقه‌ی حسّاس و مهمّ خوزستان بود؛ اینجا ملت ایران خودش را نشان داد، خوزستان مظهر بُروز و ظهور برجستگی‌های ملت ایران شد؛ درس یعنی این. این گره خوردن دستها در هم، دلها با هم، فعالیتهای و تلاشها و فکرها و اراده‌ها با هم، آن نتایج بزرگ دفاع مقدس را به همراه دارد؛ این درس امروز ما هم هست، درس فرداهای ما هم هست. در همه‌ی قضایای مهم، اراده‌ها باید در کنار هم قرار بگیرند، دستها باید در هم فشرده بشوند، جسمها و جانها باید در کنار هم قرار بگیرند؛ درس یعنی این. همه‌ی استانهای کشور بهترین جوانهایشان را فرستادند در خوزستان؛



جوانهای برجسته‌ی ملت ایران در خوزستان عروج کردند. این اتفاقات در خوزستان در طول سالهای جنگ و قبل از آن و بعد از آن تا امروز اتفاق افتاده است. من می‌خواهم عرض بکنم خوزستان همچنان که منبع ثروتهای طبیعی است - خوزستان، منبع تولید کشاورزی است، منبع تولید نفت است، منبع تولید صنعتی است - به خاطر این سابقه‌ی بسیار مهم، منبع تولید فرهنگی است؛ منبع تولید درسهای فراموش‌نشده‌ی فرهنگی و هویتی برای ملت ایران است. در هر کدام از این مناطق که بعضی‌ها را ما از نزدیک دیدیم، بعضی‌ها را هم شنیدیم - از شمال خوزستان، از منطقه‌ی دشت عباس تا خرمشهر و بعد از خرمشهر - حوادث گوناگونی اتفاق افتاده که میتواند دست‌مایه‌ی صدها مستند، صدها فیلم، صدها سریال، صدها کتاب خواندنی قرار بگیرد و اینها باید در تاریخ ثبت بشود. حالا دوستان آنجا (5) هم گفتند، اینجا هم اشاره کردند که چهار فیلم تهیه شده؛ خیلی خوب است، [منتها] چهارصد فیلم باید تهیه بشود؛ و میشود، ممکن است. شما هر چه غور کنید در حوادث خوزستان، انسان وقتی جزئیات را مطلع بشود، احساس میکند که اینجا جای یک حرکت بزرگ فرهنگی خالی است که باید انجام بگیرد و صورت بگیرد. این حادثی که در خوزستان اتفاق افتاده، این عملیات‌های بزرگ - عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر و بقیه‌ی عملیات‌های عظیمی که اتفاق افتاده - از پشت صحنه‌های این عملیات، تا متن این عملیات، تا نتایج این عملیات، هر کدام از اینها میتواند دست‌مایه‌ی کارهای بزرگ فرهنگی و هنری باشد. این یک نکته.

یک نکته‌ی اساسی و مهم دیگری هم وجود دارد و آن اینکه آنچه در خوزستان اتفاق افتاد، ترکیبی از همت مردمی و ایمان اسلامی بود؛ یعنی پشتوانه‌ی اراده‌های مردم، شجاعت‌های جوانها، گذشت پدران و مادران و همسران - که اینها همه در خوزستان تبلور پیدا کرد - ایمان اسلامی بود؛ یعنی آن چیزی که حوادث برجسته‌ی خوزستان را به عنوان یک نمونه از کل کشور به وجود آورد، ترکیبی بود از اسلام و مردم، از ایمان اسلامی و اراده‌ی مردمی و همت مردمی. انسان با مشاهده‌ی این واقعیت، با دقت نظر امام بزرگوارمان در انتخاب تعبیر «جمهوری اسلامی» آشنا میشود؛ امام، هم جمهور را می‌شناخت، هم اسلام را می‌شناخت، هم جمهور ملت ایران را به طور روشن می‌شناخت.

ما در بین بزرگان - چه در دوره‌ی خودمان، چه در دوره‌های نزدیک به خودمان - ندیدیم کسی را که مثل امام بزرگوار ما اعتماد به ملت و شناخت ملت را به طور دقیق حس کرده باشد و دانسته باشد و تشخیص داده باشد. از همان روزهای اول انقلاب، امام بزرگوار به ملت ایران اشاره میکرد. در سال ۴۱ که شروع نهضت بود، امام با دستشان به طرف صحراهای جنوب قم اشاره میکردند و میفرمودند اگر ما به مردم ایران بگوییم، ملت ایران این صحرای قم را پُر خواهند کرد؛ (6) مردم را می‌شناخت. همان روز کسانی بودند که میگفتند «به این مردم نمیشود اعتماد کرد»، [در حالی که] امام به مردم اعتماد داشت. این، شناخت مردم بود. و شناخت اسلام؛ امام اسلام را با یک نگاه جامع، کامل و مترقی شناخت؛ امام به اسلام به عنوان یک مکتبی نگاه میکرد که میتواند روح انسان را جلا بدهد و اعتلا بدهد و میتواند جامعه‌ی بشری را بزرگ کند، پیش ببرد، جلا بدهد و اعتلا بدهد؛ اسلام را برای اداره‌ی جوامع بشری کافی میدانست؛ اسلام را فقط برای اذان گفتن در مأذنه‌ها و عبادت کردن در معبدها و مساجد و تعمیر درون قلب اشخاص نمیدانست؛ اسلام را در صحنه‌ی سیاست، در صحنه‌ی اداره، در صحنه‌ی مدیریت مردم، در صحنه‌ی هدایت عمومی بشریت، فعال و کارآمد میدانست؛ نگاه امام این بود: «جمهوری اسلامی».

ببینید! این نگاه، نگاه دقیقی است؛ این است که در خوزستان این معجزات را به وجود آورد و در کل کشور هم این حرکت عظیم را، حرکت نظام جمهوری اسلامی را، پیشرفت جمهوری اسلامی را تدارک دید و زمینه‌سازی کرد. و این ادامه دارد؛ این تفکر جمع بین «جمهور» و «اسلام» توانسته جمهوری اسلامی را پایدار کند؛ این تفکر، جمهوری اسلامی را پایدار کرده، نگه داشته، حفظ کرده، روزبه‌روز آن را قوی‌تر کرده. مشکل دشمنان جمهوری اسلامی این است که آن را نمی‌شناسند؛ نه جمهور مردم را می‌شناسند، نه اسلام را می‌شناسند. علیه جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کردند، دسیسه‌چینی کردند، نقشه کشیدند و پیش‌بینی کردند، پیشگویی کردند، گفتند «جمهوری اسلامی چهل سالگی خودش را نمی‌بیند!» (7) آمریکایی‌ها گفتند دیگر؛ خاطر جمع بودند از اینکه این نقشه‌ها و توطئه‌ها



عمل خواهد کرد. به کوری چشم آنها، پیشرفت جمهوری اسلامی متوقف نشد، پیشرفت کشور متوقف نشد، ایران اسلامی تسلیم زورگویی نشد، تسلیم خدعه‌ها نشد و سربلند به راه خودش ادامه داد، بر بسیاری از موانع غلبه کردیم و به حول و قوه‌ی الهی، ملت ایران بر بسیاری دیگر از موانعی هم که الان وجود دارد غلبه خواهد کرد. یک مطلب در باب غزه عرض بکنیم. امروز دنیای اسلام به معنای واقعی کلمه برای غزه عزادار است. فجایعی را که در غزه به دست رژیم غاصب خبیث صهیونیستی، این سگ‌ها، انجام میگیرد، همه میدانند. دو مطلب را این حوادث نشان داد: یکی قوت ایمان اسلامی را. این مقاومتی که نیروهای مقاومت در داخل غزه انجام دادند و دشمن را مأیوس کردند از اینکه بتواند آنها را از بین ببرد، ناشی از نیروی اسلام بود. این صبری که مردم مظلوم غزه بر این بمبارانها و بر این فشارها از خودشان نشان دادند، ناشی از ایمان اسلامی بود. پس ایمان اسلامی اینجا بارز شد؛ جوری شد که طبق خبرهایی که دادند و قاعدتاً شنیده‌اید، در کشورهای غربی، در خود آمریکا، در خود اروپا، بسیاری از جوانها رفتند دنبال قرآن که ببینند چه چیزی در این قرآن هست که موجب میشود مردم معتقد به آن، این جور در مقابل این مشکلات دهشتناک و عظیم بتوانند مقاومت کنند. اسلام خودش را نشان داد.

دومین چیز این است که تمدن غرب خودش را نشان داد. تمدن غرب، تمدنی که با ریاکاری، با نفاق، با دروغ‌گویی، دائم از بشر و حقوق بشر و حقوق انسان و از این حرفها دم میزند و با اعدام یک مجرم مخالفند - یک نفر یک جرمی کرده، فرض کنید چند نفر را کشته، میخواهند قصاصش کنند، اعدامش کنند، سروصدایشان بلند میشود که «آقا! اعدام، اعدام» - سی هزار نفر در طول سه چهار ماه به دست رژیم صهیونیستی اعدام میشوند، اینها چشمهایشان را میبندند، کآته اتفاقی نیفتاده! بعضی‌هایشان - همه هم نه - در زبان میگویند که چرا مثلاً اسرائیل چنین میکند، کشتار میکند؛ زبانی یک چیزی میگویند، اما در عمل پشتیبانی میکنند، اسلحه میدهند، کالاهای مورد نیازش را میدهند و آمریکا با وقاحت تمام، برای بار چندم، قطعنامه‌ی قطع بمباران مردم را وتو میکند! اینجا تمدن غرب خودش را نشان داد؛ تمدن غرب این است. فرهنگ غرب، تمدن غرب، این ظاهری اتوکشیده‌ی سیاستمداران غربی، باطنش این است؛ ظاهر یک ظاهر با لبخند، باطن یک سگ‌ها، یک گرگ خونخوار. این تمدن غرب است؛ این لیبرال‌دموکراسی غرب است؛ نه لیبرالند، نه دموکراتند، دروغ میگویند و با نفاق دارند کار خودشان را پیش میبرند. امیدواریم که ان شاءالله مردم دنیا، در این حوادث گوناگون، حقایق را بیشتر درک کنند، هم اسلام را بهتر بشناسند، هم غرب را درست بشناسند. و ما مطمئیم که این تمدن غربی، این بار کج، به منزل نخواهد رسید، ادامه و تداومی نخواهد داشت و ان شاءالله فرهنگ حق و منطق درست اسلام بر همه‌ی اینها فائق خواهد شد؛ آن روز ان شاءالله دیر نخواهد بود.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

1) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالتبی موسوی فرد (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان خوزستان و امام جمعه‌ی اهواز) و سرتیپ پاسدار حسن شاهوارپور (فرمانده سپاه حضرت ولی‌عصر خوزستان و دبیر کنگره) گزارشهایی ارائه کردند.

2) معظم‌له از نمایشگاهی که دست‌اندرکاران این کنگره در حسینیه‌ی امام خمینی (قدس سره) برپا کرده بودند، بازدید کردند.

3) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم کرمان و خوزستان (2/10/1402)

4) همان

5) نمایشگاه جنبی حسینیه

6) صحیفه‌ی امام، ج 1، ص 87؛ بیانات در جمع طلاب و بازاریان (14/8/1341)

7) اشاره به صحبت‌های جان بولتون (مشاور سابق امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا) در نشست تیرماه 1396 گروهک تروریستی منافقین در پاریس.